پیشخوان

حاشیه‌ای بر بازنشر یک اثر تاریخی درباره آیت‌الله حسینعلی منتظری و ماجرای عزل او

روایت «سیر در بیراهه»

محمداسماعیل پسندیده

ماجرای قائم‌مقامی و عزل آیت‌الله حسینعلی منتظری و حوادثی که در حاشیه آن اتفاق افتاد، یکی از مسائل مهم و عبرت‌آموز در طول حیات جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. آیت‌الله منتظری یکی از روحانیون مبارز و انقلابی بود که در دوران پیش از انقلاب اسلامی در جهت مبارزه با رژیم شاه، شکنجه‌ها و سختی‌های فراوانی تحمل کرد. پس از پیروزی انقلاب، آیت‌الله منتظری به عنوان جانشین احتمالی از طرف مجلس خبرگان انتخاب شد و با تبلیغات اطرافیان فرصت‌طلب و همراهی ناآگاهانه برخی دلسوزان انقلاب، به عنوان قائم‌مقام رهبری شناخته شد. پس از آن رفته‌رفته حوادثی رخ داد که در آخر منجر به عزل ایشان از این سمت توسط حضرت امام(ره) شد. نفوذ افراد ضدانقلاب در بیت آیت‌الله منتظری و سوءاستفاده از ساده‌لوحی ایشان، علت اصلی این امر بود، از این رو حضرت امام(ره) از ایشان خواستند تا از سیاست فاصله گرفته، به تدریس و بحث علمی در حوزه بپردازند. اگرچه ایشان در ظاهر و ابتدای امر، نظر امام(ره) را پذیرفت، اما نفوذ اطرافیان باعث شد پس از مدت کوتاهی، ایشان در مقابل حضرت امام(ره) موضع‌گیری کند.

جریان انتخاب آیت‌الله منتظری به عنوان گزینه پیشنهادی رهبر آینده توسط خبرگان و حوادثی که در آخر منجر به عزل آقای منتظری از این سمت شد، قسمت مهم و سرنوشت‌سازی از تاریخ پس از انقلاب را تشکیل می‌دهد که تبیین آن، برای فهم بهتر حوادث دوران حیات پربرکت امام(ره) و شناخت برخی جریانات انحرافی موجود در جامعه- که پس از رحلت امام(ره) به تقابل با ولایت فقیه و نظام اسلامی پرداختند- امری ضروری است. در این میان روشن شدن مواضع حضرت امام (ره) در مقابل این جریان

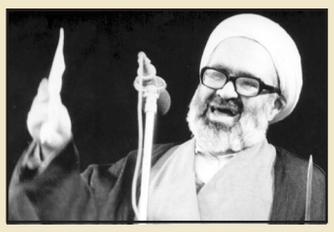

آیت‌الله حسینعلی منتظری

به ویژه برای نسل جوان جامعه- که به طور زنده و ملموس دوران حضرت امام(ره) را درک ننموده است- بسیار راهگشا خواهد بود. در این مجموعه تلاش شده ضمن اشاره اجمالی به تاریخ حوادث قائم‌مقام رهبری، متن کامل مواضع و بیانات حضرت امام(ره) به عنوان سند تاریخی، برای درک و تحلیل بهتر این حوادث ذکر گردد.

از آنجا که هدف از تألیف اثری که هم اینک به حضورتان معرفی می‌شود، تبیین مواضع حضرت امام (ره) در مورد آیت‌الله منتظری است، بررسی کامل زندگی و شخصیت و افکار آیت‌الله منتظری در این اثر مورد توجه نبوده است. عنوان این کتاب متضمن روایتی از امام صادق(ع) است که می‌فرماید: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق، لا یزیده سرعه السیر الا بعدا»، کسی که از روی بی‌بصیرتی عمل کند، مانند سیر کننده و راه‌رونده‌ای است که سیر در بیراهه می‌کند و هرچه سریع‌تر حرکت کند و بیشتر تلاش نماید، جز دورشدن از مقصد، چیزی به دست نمی‌آورد. علم بدون بصیرت موجب هدایت انسان نمی‌شود همانگونه که علم بدون تقوا و مقابله با هوای نفس، انسان را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند. ساده‌لوحی و بی‌بصیرتی مهم‌ترین عامل خروج آیت‌الله منتظری از صراط مستقیم انقلاب اسلامی و خط امام خمینی (ع) بود. نکته‌ای که بارها و بارها از سوی امام خمینی (ع) به ایشان تذکر داده شد و ایشان، اعتنایی نکرد.

اثر مورد معرفی به سبک مختصر با محوریت سخنان و مواضع امام خمینی(ره) برای استفاده طالبان حقیقت تهیه شده و به همین جهت، در بیان مسائل تاریخی به کلیات اکتفا شده است. دوستان علاقه‌مند به مطالعه بیشتر می‌توانند به آثار ذیل مراجعه نمایند:

- خاطرات سیاسی، نوشته محمد ری‌شهری.
- سنجه انصاف، نوشته محمد ری‌شهری.
- رنج‌نامه، نوشته سیداحمد خمینی.
- پاسداشت حقیقت، نوشته عباس سلیمی.
- خاطرات آیت‌الله منتظری و نقد آن، نوشته اسدالله بادامچیان.

اولین چاپ این اثر در قالب کتابچه و تحت عنوان بولتن تحلیلی، توسط بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) در ۳هزار نسخه، به فاصله یک روز پس از درگذشت آیت‌الله منتظری، برای شفاف‌سازی و روشنگری در ایام فتنه سال ۱۳۸۸ منتشر گردید و اکنون با اصلاحات و تغییراتی، مجدداً منتشر شده است. پیشاپیش از حُسن نظر شما در مطالعه این مجموعه تشکر می‌کنیم و از وجود کاستی‌ها و نقایص احتمالی آن پوزش می‌طلبیم.

دهه ۴۰. نجف، امام خمینی در منزل شخصی / عکس از دکتر صادق طباطبایی

مروری بر زوایای پیدا و پنهان «بهتان» بی‌بی‌سی به رهبر کبیر انقلاب

کینه‌ورزی در قالب مستندسازی!

احمدرضا صدری

عناد و کینه‌ورزی دشمنان و معاندان انقلاب و نظام اسلامی با رهبر کبیر انقلاب را پایانی نیست، چه اینکه او با اتکا به قدرت خدا و مردم، طومار دهها سال سلطه‌گری آنان را درهم پیچید و ملت را به مکانت درخور و هویت دینی و ملی خویش بازگرداند. در طول یک سال اخیر - در فاصله بیست و نهمین و سی‌امین سالروز رحلت حضرت امام خمینی - شبکه دولتی انگلیس در تداوم همین رویکرد معاندانه، به تولید به اصطلاح مستندی به نام «بهتان برای حفظ نظام» دست زد که جوهره آن، تفسیری واژگونه از یکی از فرازهای جلسه هفتم درس ولایت فقیه ایشان در دوران تبعید در نجف بود. مقالی که هم اینک پیش روی شماست، به بررسی این واپسین حربه تبلیغاتی تلویزیون دولت انگلیس پرداخته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

مروری کلی بر حاشیه و متن یک «بهتان»

در باب حاشیه و متن مستند بی‌بی‌سی ساخته «بهتان برای حفظ نظام» نکات و تأملات چندی به نظر می‌رسد که اجمالاً در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱- پیش از هر چیز به نظر می‌رسد که این مستندپردازی درصدد آن است تا علاوه بر بی‌اعتبارکردن نظام اسلامی و دو ولی‌فقیه آن، برای تمامی جماعت ضد انقلاب به ویژه جماعتی که در دو دهه اخیر به خارج از کشور گریخته‌اند، حاشیه امن ایجاد کند. به گونه‌ای که از این به بعد، هر نسبتی که از سوی نظام و حامیان آن متوجه ایشان گردد، بلافاصله افکار عمومی متوجه مقوله «مباهته» شود! در سالیان اخیر اخباری از در افتادن افرادی چون محسن کدیور، حسن یوسفی‌اشکوری و... الخ در دام منافقین و تهیه تصاویر کذایی از آنان درز کرده که ساخت مستندهایی چون بهتان را برای آنان ضروری ساخته است.

۲- نکته دیگری که اشاره بدان بی‌مناسبت نیست، این است که اصل ماجرا از خاطره‌گویی عطاءالله مهاجرانی درباره دیدگاه حسین شریعتمداری مدیر مسئول کیهان درباره اعتقاد وی به جواز بهتان به عبدالکریم سروش و همگنان وی آغاز شد. (شریعتمداری در گفت‌وشنودی مبسوط با خبرگزاری تسنیم در دی ماه ۹۷، به این اتهام پاسخ گفت.) در گام بعدی، ماجرا با مقاله‌ای که یکی از معممین دگراندیش قم به نام محمد سروش محلاتی در این باره نوشته بود، تداوم یافت. وی در این نوشتار، گرایش برخی فقهای شیعه به بهتان به اهل بدعت در قرون اخیر را لکه ننگی در تاریخ فقیه شیعه انگاشته است. پس از آن با گذشت مدتی، عبدالکریم سروش با استناد به مطالب سروش محلاتی، در نامه‌ای به آیت‌الله مکارم‌شیرازی بار دیگر پای موضوع را وسط کشید و مراجع تقلید را به دلیل سکوت در برابر اینگونه برداشت‌ها مورد سرزنش قرار داد. این برداشت سروش از برخی دیدگاه‌های مشکوک به تجویز تهمت، از سوی عطاءالله مهاجرانی- به رغم نقش وی در کلید زدن پروژه بهتان- مورد تخطئه قرار گرفت و وی در دو فقره پاسخ به عبدالکریم سروش و نیز سروش محلاتی، به ادعاهای ایشان جواب گفت. در نهایت در دی ماه سال ۹۷، حسین باستانی با الهام از همان پیش‌گفته‌های سروش محلاتی، به ساخت مستند بهتان مبادرت ورزید. با مروری بر این مستند درمی‌یابیم که در مواردی حسین باستانی در نریشن‌نویسی، بدون ذکر نام، عیناً عبارات سروش محلاتی را تکرار می‌کند! به هر روی باید در نظر داشت که جنجال بر سر مقوله مباهته، از عطاءالله مهاجرانی و بیش از او سروش محلاتی آغاز شده و به بی‌بی سی رسیده است، بنابراین این پدیده در اصل دستپخت مخالفان داخلی است. هم از این روی است که خبرگزاری ایرنا پس از پخش این مستند، به سرعت مرجع ضمیر را پیدا کرد و با سروش محلاتی مصاحبه کوتاه و بی‌خاصیتی انجام داد.

۳- اما اگر بخواهیم از جنبه محتوایی، نقاط ضعف یا بدفهمی‌های مستند بهتان برای حفظ نظام را مورد اشاره قرار دهیم، باید به موارد ذیل اشاره کنیم:

الف- بی‌تردید اکثر فقهای شیعه، فعل «بهتوا» را در عبارت معروف، به مفهوم بهتان زدن نگرفته‌اند. حتی حسین باستانی نیز در آغاز مستند یادشده، تأکید می‌ورزد که اکثریت مراجع مورد استفتای وی نیز چنین برداشتی را مردود می‌دانند. جالب اینجاست که اکثریت مراجعی که در سده اخیر در زمره اقلیت معتقد به بهتان بوده‌اند نیز به نوعی از مراجع شهرت‌یافته به مخالفت با نظام اسلامی بوده‌اند. بی‌تردید برای بهتان‌سازان بی‌بی‌سی‌نشین مهم نیست که عده‌ای از مراجع غیرسیاسی یا منتقد نظام جمهوری اسلامی به بهتان اعتقاد داشته‌اند که این نوعی نقض غرض محسوب می‌شود، بلکه برای آنان مهم این است که بتوانند مباهته را به عنوان جزئی از ایدئولوژی انقلاب و امری مورد قبول دو ولی‌فقیه نظام اسلامی جا بزنند، امری که سراسر مستند در پی اثبات آن است.

ب- درباره انتساب این دیدگاه به امام خمینی مسئله چندان پیچیده نیست، چه اینکه اولاً: امام روایت مباهته را به عنوان شاهد گرفته‌اند نه دلیل. توضیح آنکه در دروس خارج گاه برخی روایات یا فتاوا بدون آنکه سنداً و دلالتاً مورد بررسی قرار گیرند(چون پذیرش یک روایت و افتا بر اساس آن متوقف بر این دو بررسی است) صرفاً به عنوان یک مقوم و شاهد مطرح می‌شوند. مصادیق این امر در کتب فقه استدلالی و دروس خارج فراوان است. ثانیاً: امام در استشهاد به این روایت، بهتان را به تهمت فرو کاسته‌اند که تفاوت این دو آشکار است؛ بهتان امری است که تحقق آن کاملاً منتفی است اما تهمت امری ممکن‌الوقوع است. ثالثاً: موضوع تهمت در فایل صوتی مورد استناد بی‌بی‌سی، تنها به مقوله مورد اشاره ایشان در درس و مشخصاً به مقطع پیش از پیروزی انقلاب منحصر شده و تعمیم آن به مسائل دیگر از جمله مسائل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تنها هنری است که از مستندساز بی‌بی‌سی برمی‌آید. رابعاً: بزرگ‌ترین دلیل بر اینکه امام بر اساس روایت بهتان فتوا نداده‌اند، این است که خود در ویرایش آن را حذف کرده‌اند. این دروس سال‌ها پیش از انتشار توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام- که پس از ارتحال ایشان صورت گرفت- بارها و به اشکال مختلف توسط ناشران داخلی و خارجی نشر یافت، درحالی که عبارات موجود در نوار درباره تهمت، در آنها دیده نمی‌شود.

ج- پذیرش عمل به «خیرالشرین» اختصاص به امام خمینی ندارد و نه تنها مورد پذیرش جمهور نزدیک به اجماع فقها که اساساً قاعده‌ای عقلی است که تمامی سیاستمداران دنیا اعم از دیندار و بی‌دین و حتی تمامی صاحبان عقل سلیم در زندگی فردی و اجتماعی خود، هرروز و هرساعت در مقام انتخاب میان خیرالشرین هستند، بنابراین اشاره به جواز کذب، شرب خمر و... الخ برای حفظ اساس اسلام و نظام‌اسلامی از سوی امام در یکی از سخنرانی‌های سال ۶۰، ناشی از همین فقره است. البته این تشخیص در حوزه دینی آن، لاجرم توسط اهل خبره و در رأس آن فقیه جامع‌الشرایط باید انجام گیرد و وسیله‌ای برای ارضای تمنیات جهال نیست.

د: بهتان‌سازان بی‌بی‌سی انتشار یک چک به نام آیت‌الله سیدمحمد روحانی در نجف را به اطرافیان امام خمینی منتسب کرده و شاهدی بر جواز بهتان از سوی ایشان گرفته‌اند. اولاً: اینکه این چک از سوی چه کسی طراحی و پخش شد، هیچگاه مشخص نشد. یعنی هیچ فرد یا هیئت حقیقت‌یابی نتوانست منشأ اصلی پیدایش آن را دقیقاً و مستنداً آشکار سازد. چه بسا ساواک برای تشدید اختلافات و فضاسازی درباره بیت امام در نجف، به چنین کاری دست زده باشد. ثانیاً: امام خمینی اندکی پس از رویداد در نامه‌ای به آیت‌الله سیدصادق روحانی در قم، وجود اصحاب و اطرافیان(به عادت مألوفِ دیگر بیوت) را در کنار خود به کلی نفی کردند و مسئله را سالبه به انتفاء موضوع دانستند. متن کامل این نامه روشنگر اخیراً از سوی بیت آیت‌الله سید صادق روحانی در کتاب «نامه‌های تاریخی» آمده است.

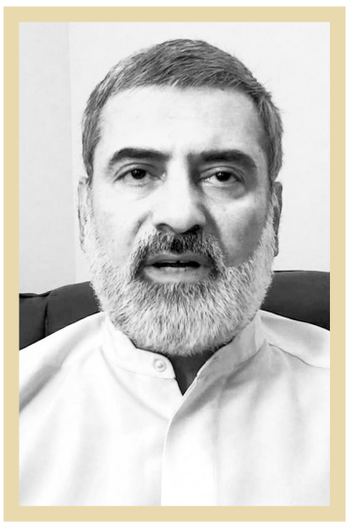

محسن کدیور

> **مستند بهتان می‌کوشد تا برای تمامی جماعت ضد انقلاب به ویژه جماعتی که در دو دهه اخیر به خارج از کشور گریخته‌اند، حاشیه امن ایجاد کند. به گونه‌ای که از این به بعد، هر نسبتی که از سوی نظام و حامیان آن متوجه ایشان گردد، بلافاصله افکار عمومی متوجه مقوله «مباهته» شود! در سالیان اخیر اخباری از در افتادن افرادی چون محسن کدیور، حسن یوسفی‌اشکوری و... الخ در دام منافقین و تهیه تصاویر کذایی از آنان درز کرده که ساخت مستندهایی چون بهتان را برای آنان ضروری ساخته است**

نقطه آغاز یک بهتان

آنچه از این پس مرور می‌کنید، مروری است بر برخی مستندات مطالبی که در فراز پیشین بدان اشارت رفت. امام خمینی در هفتمین جلسه از دروس تبیین ولایت فقیه در مسجد شیخ انصاری نجف، ضمن تخطئه برخی از ملبسین به لباس روحانیت که آلت دست ساواک و مورد بهره‌برداری رژیم پهلوی هستند، به نکات ذیل اشاره کردند:

«اینها از فقهای اسلام نیستند و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا جل جلالهُ بگویند! اخیراً لقب جل جلالهُ به او داده‌اند! اینها فقها نیستند؛ شناخته شده‌اند! مردم اینها را می‌شناسند. در این روایت است که از این اشخاص بر دین بترسید؛ اینها دین شما را از بین می‌برند. اینها را باید رسوا کرد تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می‌کنند؛ اسلام را ساقط می‌کنند. باید جوان‌های ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهای اسلام به اسم علمای اسلام، اینطور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می‌کنند باید برداشته شود. من نمی‌دانم جوان‌های ما در ایران مرده‌اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم اینطور نبود. چرا عمامه‌های اینها را بر نمی‌دارند؟ من نمی‌گویم بکشند. اینها قابل کشتن نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوان‌های غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این نوع آخوندها(جل جلاله‌گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بیایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند؛ لیکن عمامه‌هایشان را بردارند. نگذارند معمم ظاهر شوند. این لباس شریف است، نباید بر تن هرکسی باشد. عرض کردم که علمای اسلام از این مطالب منزه‌اند و در این دستگاه‌ها نبوده و نیستند و آنهایی که به این دستگاه وابسته‌اند، مفت‌خورهایی هستند که خود را به مذهب و علما بسته‌اند و حسابشان اصلاً جداست و مردم آنها را می‌شناسند.»

> **امام روایت مباهته را به عنوان شاهد گرفته‌اند نه دلیل. توضیح آنکه در دروس خارج گاه برخی روایاتٍ یا فتاوا بدون آنکه سنداً و دلالتاً مورد بررسی قرار گیرند(چون پذیرش یک روایت و افتا بر اساس آن متوقف بر این دو بررسی است) صرفا به عنوان یک مقوم و شاهد مطرح می‌شوند. مصادیق این امر در کتب فقه استدلالی و دروس خارج فراوان است. وانگهی امام در استشهاد به این روایت، بهتان را به تهمت فرو کاسته‌اند که تفاوت این دو آشکار است؛ بهتان امری است که تحقق آن کاملاً منتفی است اما تهمت امری ممکن‌الوقوع است**

> **بزرگ‌ترین دلیل بر اینکه امام بر اساس روایت بهتان فتوا نداده‌اند، این است که خود در ویرایش آن را حذف کرده‌اند. این دروس سال‌ها پیش از انتشار توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام- که پس از ارتحال ایشان صورت گرفت- بارها و به اشکال مختلف توسط ناشران داخلی و خارجی نشر یافت، درحالی که عبارات موجود در نوار درباره تهمت، در آنها دیده نمی‌شود**

اظهارات طراح بهتان در رد یک «بهتان»

پس از پخش مستند بهتان، بر کسانی که مقولات نظری و سیاسی مطرح در رسانه‌ها را پیگیری می‌کنند، به سرعت مکشوف شد که این مستند از مقاله ۱۰ سال پیش محمد سروش محلاتی مایه گرفته است. هم از این روی و برای مبری کردن وی از تعامل با پروژه تلویزیون دولتی انگلیس، خبرنگار ایرنا بی‌درنگ به سراغ وی رفت و نکات ذیل را از او ضبط و منتشر کرد. صرفنظر از نقش سروش محلاتی در طرح مقوله بهتان در سال‌های گذشته، پاسخ‌های وی به مستند بی‌بی‌سی درخور توجه به نظر می‌رسد:

«در سال ۱۳۴۸ در نجف بحث ولایت فقیه را مطرح کردند و در برخی جلسات درس به نقد رویه روحانیون طرفدار رژیم شاه پرداختند. این جمله مربوط به جلسه هفتم این سلسله دروس است که در یازدهم بهمن ماه ۱۳۴۸ ارائه شده است. در آنجا امام خمینی به تناسب روایت الفقهاء امناء الرسل فرموده‌اند که: روحانی فاسد نمی‌تواند امانتدار الهی باشد. والا مثل ابوهریره می‌شود که احکامی به نفع معاویه جعل می‌کند و بعد اشاره می‌کنند که رژیم شاه عده‌ای را معمم کرده تا در جلساتشان دعا به شاه بکنند و آنها اخیراً لقب «جل جلاله» به شاه داده‌اند. بعد امام می‌گویند باید آنها را رسوا کرد و با متهم کردنشان در بین مردم ساقط کرد و اشاره‌ای هم به روایتی در این باره می‌کنند ولی به نظر بنده این جملات ایشان که هم اکنون فایل صوتی آن هم موجود است، برای استناد دادن این مطلب به ایشان جای تردید دارد. به دو دلیل: یکی آنکه استناد ایشان به روایت باهتوهم به شکل بسیار ضعیف انجام شده و به جای آنکه مثل بقیه موارد روایت را از لحاظ سند و دلالت مورد بررسی قرار دهند و سپس از آن نتیجه‌گیری فقهی کنند، فرموده‌اند: در یک روایتی که حالا یادم نیست کجاست و اصلاً اشاره به متن روایت هم نمی‌کنند. یعنی از قبل درباره این روایت تأمل نکرده بودند و آن را آماده نکرده بودند که بخواهند بخوانند و به آن استناد کنند. دوم آنکه پس از این نقل ارتجالی (ناگهانی و مبهم) هنگامی که در همان سال ۱۳۴۸ کتاب ولایت فقیه را در نجف برای چاپ آماده کردند، این جمله را درباره تهمت به اهل بدعت حذف کردند. اگر امام خمینی هم مانند فقهای دیگری بودند که این نظر را پذیرفته‌اند، وجهی نداشت آن را در همان زمان حذف کنند. این حذف مربوط به دوران جمهوری اسلامی نیست. در همان کتاب مکاسب محرمه و کتاب البیع هم که امام به قلم خود نوشته‌اند، این مطلب وجود ندارد.»

پرسشی بی‌مورد از سازندگان «بهتان»!

در پاسخ به مستند موسوم به بهتان، پاسخ‌های بسیاری از سوی تاریخ‌پژوهان انقلاب در رسانه‌های گوناگون منتشر شد و بازتاب‌های نمایانی یافت. یکی از مبسوط‌ترین این موارد، جوابیه حمید انصاری قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی است. وی در بخش دوم نقد منتشره خویش، به پرسشی از سازندگان این مستند مبادرت می‌کند که خود اذعان دارد طرح آن از تلویزیون دولتی انگلستان «بی‌مورد» است:

«حاصل کل برنامه بی. بی. سی یک نسبت ناروا به امام خمینی است که گفته‌اند: «بنیانگذار جمهوری اسلامی یک سراندیشه داشت با عنوان وجوب حفظ نظام یا اسلام به هر قیمتی! و در این اندیشه، ارتکاب هر عمل ضد اخلاقی، نسبت به منتقدان نظام و مخالفان فکری ایشان - ولو از مراجع تقلید باشند - جایز می‌باشد و بر اساس این اندیشه و تأثیر آن، در جمهوری اسلامی به عنوان یک اصل، آبروی اشخاص از اهمیت چندانی برخوردار نیست و غیبت و تهمت و دروغ در حق منتقدان نظام تجویز شده است.»! (تعابیری که بیان کردم عیناً در بخش‌های مختلف برنامه مذکور از سوی تهیه‌کننده و برخی گویندگان آن ادا شده است.) تهیه‌کننده این برنامه گفته است که برای تهیه بخشی از محتوای برنامه بیش از چهار سال پیگیر بوده. قطعاً در این مدت طولانی ایشان بارها آثار امام خمینی - که به آسانی در دسترس عموم می‌باشند - را جست‌وجو کرده و هیچ مدرکی بر ادعاهای این برنامه نیافته است و همه آثار و زندگی اخلاقی ایشان به روشنی خلاف آن را ثابت می‌کند. نهایتاً ناگزیر از پخش تقطیع شده دو فراز کوتاه با حذف قبل و بعد عبارات امام و تحریف معنای کلام ایشان به عنوان سند ادعاهای خویش شده که هیچ ارتباطی با موضوع برنامه نداشته است. اکنون جای این پرسش جدّی هست که بر اساس کدام منطق علمی و کدام روش تحقیق می‌توان اثبات کرد که صدها بیان شفاف از نصّ کلام امام خمینی در آثار و زندگی او و در دستورالعمل‌های حکومتی او (که نمونه‌های زیادی از آن را در مشروح همین نوشتار نقل شده است) که آشکارا در تعارض قطعی با ادعاهای مذکور می‌باشد، نتوانسته است بر پیروان بی‌شمار او اثر بگذارد و موجب فهم و استخراج اندیشه او در برخورد با منتقدان گردد، آن هم پیروانی که به صدق گفتار او ایمان کامل داشتند و با فراخوانِ او به انقلاب پیوستند. اما همین مردم و خصوصاً نزدیک‌ترین افراد به ایشان که دست اندر کار مدیریت نظام او بوده‌اند، به واسطه دو فراز نامربوط معتقد به اصلی شده‌اند که بی. بی. سی. ادعا کرده یعنی «حفظ نظام و اسلام به هر قیمتی ولو به تهمت و دروغ به منتقدان؟!» اصلی که در تعارض کامل با کل اجزا و اساس گفتمان اخلاقی و دین‌مداری امام خمینی می‌باشد. بنابراین حق طبیعی مخاطبان مستند بی. بی. سی است که از تهیه‌کنندگان این برنامه بپرسند چرا حقیقت را در جست‌وجوی ناموفق چهارساله خویش کتمان کردید و در اثبات ادعاهای نامستند خویش به بهتان و تحریف سخن و بازی دادن مخاطبان متوسل شدید؟ البته این پرسش از رسانه دولتی انگلیس با توجه به سوابق دیرینه ی او در قبال ملت ایران از مشروطیت تا به امروز، بی‌مورد است.»

انصاری در ختام پاسخ خویش، توصیه‌ای نیز به بینندگان به اصطلاح مستند بهتان اعم از موافق یا مخالف امام خمینی دارد:

«از عموم کسانی که مستند بهتان بی. بی. سی را دیده‌اند، چه علاقه‌مندان به امام خمینی و حتی منتقدان و مخالفان ایشان تقاضا می‌کنم برای کشف حقیقت و سنجش درستی یا ناروایی آنچه در این برنامه درباره اندیشه و سخن امام گفته شده است، مطالب نقل شده از متن آثار ایشان را در مشروح این نوشته، با نگاه بی‌طرفانه ملاحظه فرمایند. مطمئن باشید به واسطه اهمیت فراوانی که هشدارهای جدی اخلاقی و سیاسی بیان شده در این فرازها دارند - که توجه به آنها شدیداً مورد نیاز امروز جامعه می‌باشد - مطالعه توأم با تأمل در این فرازها به خستگی زحمت قرائت آن می‌ارزد؛ چراکه این جزوه، مجموعه‌ای یکجا از اهمّ آنچه برای داوری در باب مسائلی بسیار مهم از گفتمان‌های اخلاقی و اجتماعی روز جامعه، از زبان کسی که در پیدایش و تداوم و استقرار نظام جمهوری اسلامی نقش راهبردی و منحصر به فرد داشته است، در اختیار شما می‌گذارد.»